فصلنامه تخصصی دانش حفاظت و مرمت
سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی و موضوع حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی

رسول وطن دوست

اینکه پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی توانسته است اجازهٔ چاپ و انتشار تعدادی مجلّهٔ علمی، از جمله این نشریهٔ وزینِ دانش حفاظت و مرمّت را دریافت کرده و به انتشار آن نیز دست یازد، خبر بسیار فرخنده‌ای است که لازم است جامعهٔ مرمتگران کشور آن را به فال نیک گرفته و ضمن مشارکت فعّال و پیوسته در آن، «خانهٔ مرمتگران کشور» را بیش از پیش «خانهٔ خود» بدانند. ولی برای آنکه بتوان راه و رسم چنین جریده‌ای را با عنایت به نیازهای جاری کشور، وظایف و مسئولیّت‌های پژوهشکده، و نیز نظام پژوهشی، آموزشی و اجرایی کشورمان در حوزهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی، تبیین و توصیه کرد، باید ابتدا به دیروز نگاه کرد، بعد در بارهٔ وضعیّت امروز اندیشید، و سپس فردا را دید، و سرِ آخر تلاش کرد تا راه مجلّه چنان طرّاحی شود تا ضمن آن‌که مسئولیّت خود را نسبت به مردم و به‌ویژه جامعهٔ فرهنگی کشور انجام می‌دهد، صورتی پویا، بادوام، ملّی، و پاسخگو نیز داشته باشد. حفاظتگران و مرمّتگران میراث فرهنگی کشور، که به‌واقع می‌توان آنها را طبیبان امور فرهنگی کشور دانست، بیش از پیش تشنهٔ گفت‌وگوهای سازنده با یکدیگر در داخل کشور، و با همقطاران خود در بیرون از کشور هستند و هر چه تعداد مجلّات علمی در این حوزه بیش‌تر شود، دست‌یابی به مقصودِ نهایی، یعنی نگاهداری میراث فرهنگی و معرّفی درست و به‌کمال آن، میسرتر خواهد شد. به بیان دیگر برای آنکه بتوان آیندهٔ پژوهشکده و در نتیجه آینده و شیوهٔ کاری نشریّات منتشره از سوی این نهاد مهم را بر اساس نیازها و اولویّت‌های میراث فرهنگی کشور و سپس دیدگاه پالایش‌یافتهٔ ملّی و جهانی پیرامون امر حفاظت، نگاهداری و مرمّت آثار فرهنگی تعریف و تبیین نمود، لازم است به گذشته و حال اندیشید و بعد توانی دوچندان یافت و به افق‌های پیشِ رو نظاره کرد؛ دُرُست همان‌گونه که کوهنوردی تجربه‌اندوخته در میانهٔ راه صعود می‌ایستد و به راهی می‌نگرد که تا آن زمان پیموده است و بعد حال خود را می‌بیند و سرِ آخر، با توانی که از نگاه به گذشته بازیافته است، ادامهٔ مسیر می‌دهد.

دیروز

امّا دیروزِ حفاظت و مرمّت از آثار فرهنگی در ایران چگونه بوده است، و از همه مهم‌تر این‌که چه مسیری را تا به امروز طیّ کرده و چه اهدافی را دنبال می‌کرده است؟ یعنی اینکه آیا ریشه‌های وجودی آن در همان خاک دیگر نقاط جهان به‌ویژه در اروپا و به‌خصوص در ایتالیا رشد و نمو کرده است؟ گرچه سرچشمه‌های فراوان و ژرف اندیشه‌پردازی در باب زیبایی، هنر، میراث، و حتّی مرمّت در معنای عام آن، در فرهنگ و ادبیات شرق نیز دست‌یافتنی هستند امّا روشن است که «مرمّت»[۱] و «حفاظت»[۳] آن‌گونه که امروز به آنها پرداخته می‌شود، برگرفته از نگاه و اندیشهٔ کسانی است که در بیرون مرزهای کشورمان می‌زیسته اند.[۴] در دیار غربیان، مرمّت با زیباشناسی و فلسفه و هنر درآمیخته بوده است و بعدها نیز که واژهٔ حفاظت به همراه دانش نوین یا به عنوان پی‌آمد آن رُخ می‌نماید، همچنان و بیش‌تر آنان اند که به این مقوله می‌پردازند. گزافه نیست اگر گفته شود که مرمّت در اروپا در ابتدای امر از تاریخ هنر ریشه می‌گیرد و امروزه نیز همچنان امّا نه به قدر گذشته، این هنرمندان و متخصصان تاریخ هنر هستند که به تعریف مرمّت، حدود و ثغور آن، و بایدها و نبایدهای آن می‌پردازند. از یونان باستان گرفته تا عهد رُنسانس، و بعدها و در دوران به‌اصطلاح نوین[۵] این فیلسوفان و هنرمندان اند که پیرامون دخالت یا عدم دخالت در آنچه از گذشته باقی مانده است سخن می‌گویند و در عمل نیز به این کار دست می‌زنند. دو دیدگاهِ رودرروی عدم دخالت در یادمان‌های تاریخی و حفظ خرابه‌های باقی مانده از گذشته و دخالت برای نگاهداری بهتر آنها، موضوع اصلی بحث پیرامون میراث فرهنگی و نحوهٔ مراقبت از آن در اواسط قرن نوزدهم بوده است.[۶] در ایران نیز شاعران و فیلسوفان و متفکّران زیادی اهمیّت توجّه و مراجعه به گذشته را گوشزد کرده[۷] و حتّی از نحوهٔ انجام کار مرمّت و نگاهداری گفتگو کرده اند.[۸] در همین دوران یعنی اواسط قرن نوزدهم میلادی است که علوم طبیعی، به‌ویژه شیمی به معنای امروزی آن، یاری‌رسانی به امر حفاظت از آثار گذشتگان را آغاز می‌کنند.[۹] گرچه این‌گونه تصوّر می‌شود که نخستین آزمایشگاه موزه‌ای حفاظت و مرمّت آثار تاریخی در سال ۱۸۸۸ توسّط راتگن تأسیس شده است[۱۰] امّا پیش از او نیز افراد سرشناسی همچون لوئی پاستور از دانش شیمی و فیزیک برای شناخت مواد و مصالح آثار هنری یا تمیزکاری بهره گرفته بودند، و از همان شروع کار هم، دُرُست مانند همین امروز، پاک‌سازیِ بیش از اندازهٔ کارهای هنری مورد بحث و جدل بوده است.[۱۱]

امّا در کشورمان ایران شکل‌گیری موضوع مرمّت و نگاهداری آثار تاریخی به نوعی و عمدتاً به کاوش‌های غیرعلمی (در دوران قاجار) و علمی (در دوران معاصر) بازمی‌گردد. در واقع این سیّاحان و باستان‌شناسان فرانسوی در شوش بودند که به دلیل نیاز فوری که به شناخت آثار مکشوفهٔ خود داشتند، اوّلین کارهای به‌اصطلاح حفاظتی و مرمّتی، و گاه ضدّ حفاظتی را انجام دادند و بعد هم در اواخر قرن نوزدهم میلادی (حدود سال ۱۲۵۸ش) نخستین کارگاه مرمّت را در قلعهٔ شوش به وجود آوردند.[۱۲] با تشکیل یا تأسیس نخستین هستهٔ موزهٔ ملّی ایران (۱۲۹۵ش/ ۱۹۱۷م) در یکی از اتاق‌های مدرسهٔ دارالفنون و نیز ادارهٔ عتیقات (۱۲۹۷ش/ ۱۹۱۸م) که سرانجام به تشکیل ادارهٔ کلّ باستان‌شناسی در سال۱۳۰۷ شمسی منجر می‌شود، همچنین تدوین و تصویب قانون عتیقات (۱۳۰۹ش)، موضوع حفاظت از باقی‌مانده‌های تاریخی در دستور کار قرار می‌گیرد.

با گشایش رسمی موزهٔ ایران باستان در سال ۱۳۱۶، شروع کارهای مرمّتی در پاسارگاد و تخت‌جمشید و چغازنبیل، و بعدها آموزش مرمّتگران ایرانی توسّط ایزمئو[۱۳] و تأسیس سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی (۱۳۴۴)، سرانجام نخستین اقدامات برای ایجاد آزمایشگاه و کارگاه حفاظت و مرمّت آثار تاریخی صورت می‌گیرد. در همین سال‌ها تعدادی وسایل، تجهیزات، و مواد آزمایشگاهی، از جمله دستگاه طیف‌سنج شعله‌ای، میکروسکوپ نوری، ترازوی برقی، و دستگاه رطوبت‌سنج، از سوی یونسکو در اختیار تشکیلات

باستان‌شناسی و موزهٔ ایران باستان قرار گرفته بود تا به کمک آنها گام‌های اولیّه برای ایجاد آزمایشگاه مرمّت برداشته شود. در بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ شمسی، یعنی هنگامی‌که آقای دکتر فیروز باقرزاده مسئولیّت مدیریّت مرکز باستان‌شناسی ایران (مرکز پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران) و برای مدّتی به طور همزمان مدیریّت موزهٔ ایران باستان را به عهده داشتند، فکر ایجاد آزمایشگاه مرمّت به واقعیّت پیوست. در سال ۱۳۵۱ آزمایشگاه و کارگاه مرمّت با استخدام دو نفر شیمیدان و یک نفر کارشناس فیزیک[۱۴] و بهره‌گیری از خدمات دو مرمّتگر سفال در زیرزمین واقع در جنب موتورخانهٔ ساختمان مرکز باستان‌شناسی ایران (سابق) به وجود آمد.[۱۵] این زیرزمین مجموعاً از پنج اتاق کوچک و بزرگ تشکیل می‌شد. در ابتدای امر اوّلین اتاق، که دارای یک نیم‌طبقه نیز بود، برای استقرار یک کارشناس و بعدها دو کارشناس دیگر آماده شد. سپس دو اتاق بعدی، اوّلی به واحد فیزیک و دوّمی به آزمایشگاه شیمی اختصاص داده شدند. اتاق بزرگ بعدی، شامل یک طبقهٔ زیرین و یک نیم‌طبقه، به واحد عکّاسی تعلّق داشت و خدمات فنی را هم در اختیار مرکز باستان‌شناسی و هم موزهٔ ایران‌باستان قرار می‌داد. آخرین اتاق یا به عبارت بهتر کارگاهِ بزرگ، شامل یک طبقهٔ بزرگ زیرین و یک نیم‌طبقهٔ فوقانی، کارگاه مرمّت را تشکیل می‌داد (تصاویر ۱، ۲، و ۳).

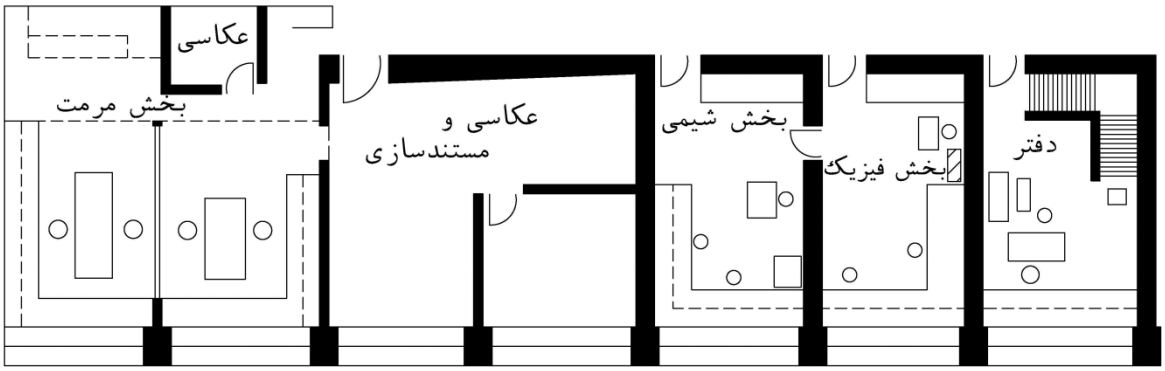

تصویر ۱. تشکیلات و بخش‌های آزمایشگاه و کارگاه حفاظت و مرمّت از ابتدای شکل‌گیری ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۹.

تصویر ۲. بخش فیزیک، آزمایشگاه و کارگاه مرمّت، در دههٔ پنجاه شمسی.

تصویر ۳. کارگاه مرمّت در سال‌های دههٔ پنجاه شمسی، آقای اکبر عندلیب

از سال ۱۳۵۲ تا نیمه‌ی اوّل سال ۱۳۵۷ شمسی، که گفته می‌شود یکی از پررونق‌ترین و پرجنب و جوش‌ترین دوره‌ی پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی کشور بوده است، فعالیّت‌های این آزمایشگاه نیز پیوسته گسترده‌تر و تعداد کارکنان آن بیش‌تر شد. در این دوره که شاید بتوان آن را دورهٔ آزمون و خطای موضوعِ حفاظت و نگاهداری آثار تاریخی در جهان و به پیروی از روند کلّی جهانی در ایران دانست، بنیان‌های نظری مراقبت و پاسداری از باقی‌مانده‌های گذشته چندان مورد توجّه قرار نمی‌گرفت و چه در بیرون از فضای آزمایشگاه و کارگاه مرمّت، یعنی در جریان کاوش‌های باستان‌شناختی، و چه در درون این واحد، بیش‌تر موضوع پاکسازی یافته‌های باستان‌شناختی، دست‌یابی به اطلاعات سطحیِ آثار، سالیابی و پژوهش‌های باستان‌سنجی بود که مورد و مرکز توجه بود. البته همان‌گونه که اشاره شد این روندی است که در آن سال‌ها در بیش‌تر کشورهای جهان رواج داشت. در همان زمان بود که در برخی از دانشگاه‌های جهان رشتهٔ حفاظت و مرمّت زیر گروه واحدهای فنّی قرار گرفت و هنرشناسان و هنرمندان به مخالفت با استفاده از مواد شدیدالاثر شیمیایی پرداختند. این‌گونه بود که آهسته‌آهسته مطالعات فن‌شناسانه و باستان‌سنجانه راه خود را از مرمّت و حفاظت جدا کردند و در آزمایشگاه‌های مرمّت پژوهش‌های آسیب‌شناسانه توسعه یافت، و بعدها «حفاظت» و «شناخت»، و نیز «حفاظت پیشگیرانه» و گاه «مرمّت پیشگیرانه» جای مرمّت صِرف و مداخله‌های ناهوشمندانه را گرفت.

در همین سال‌ها دانشگاه فارابی نیز که ایجاد دورهٔ کارشناسی ارشدِ رشتهٔ مرمّت را دنبال می‌کرد، با همکاری سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی، و دیگر نهادها و افراد ذی‌ربط، کار راه‌اندازی نخستین دورهٔ آموزشی مرمّت را در کشور به سرانجام رسانید و با برپایی این رشتهٔ تحصیلی از سال ۱۳۵۵ شروع به آموزش دانشجویان کرد.[۱۶]

هرچند پیش از این استفاده از علومی همچون فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی، برای شناخت بهتر آثار تاریخی و نگاهداری آنها با ایجاد آزمایشگاه و کارگاه مرمّت در مرکز باستان‌شناسی ایران آغاز شده بود، امّا اکنون (۱۳۵۵) نخستین‌بار بود که موضوع بهره‌گیری از این دسته از علوم، به‌ویژه شیمی در حوزهٔ آثار تاریخی در نظام آموزشی مطرح و به نتیجه می‌رسید. آزمایشگاه تازه شکل‌یافتهٔ دانشکده همراه با وسایل و تجهیزاتی که برای آن تهیه شده بود و کارشناسی[۱۷] که در آن کار می‌کرد، این امکان را فراهم می‌ساخت تا دانشجویان با به کارگیری دانش‌های نوین در حوزهٔ تخصّصی خویش آشنا شوند (تصویر ۴).

تصویر ۴. آزمایشگاه دانشکده پردیس اصفهان درسال‌های اولیّهٔ پیدایش.

در عین حال و در همین زمینه، طرح عمدهٔ دیگری نیز در حوزهٔ معاونت میراث فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر (سابق)[۱۸] و مرکز باستان‌شناسی ایران دنبال می‌شد. در همان سال‌های نخستین دههٔ پنجاه شمسی برنامهٔ ایجاد آزمایشگاهی بنیادین برای مطالعهٔ آثار موزه‌ای و مراقبت از آنها در قطعه زمین واقع در روبه‌روی ساختمان موزهٔ دوران اسلامی (فعلی) مورد تصویب قرار گرفته بود و طرحی نیز در همین رابطه تهیّه شده بود. قرار بود آزمایشگاه مورد نظر در زیرِ زمین احداث شده و از طریق راهرویی به مخزن موزه متّصل شود تا بدین ترتیب بتوان بی آن که ضرورتی برای حمل اشیاء از روی زمین باشد آنها را به آزمایشگاه منتقل کرده و پس از خاتمهٔ مطالعات و کارهای حفاظتی به محل مربوطه بازگرداند. در آن زمان بیش از چهل پلاک ثبتی در زمین مذکور مشغول فعالیّت‌های تجاری مختلف از جمله اتوبوسرانی

بودند. چندین سال طول کشید تا به‌تدریج و با زحمات زیاد پلاک‌های تجاری مذکور خریداری و تمامی زمین مورد نظر به تملّک وزارت و فرهنگ و هنر (سابق) در آمد. زمین تسطیح و برای احداث آزمایشگاه آماده شد.

با وقوع انقلاب اسلامی و تا سال‌های اوّلیهٔ دههٔ شصت این طرح مسکوت باقی ماند. با تصویب قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور (۱۳۶۴) و تصویب اساسنامهٔ آن (۱۳۶۷) که مطالعه، حفاظت و معرّفی آثار فرهنگی و تاریخی را در سرلوحهٔ وظایف خود قرار داد، بار دیگر موضوع حفظ و احیای آثار فرهنگی، و این‌بار با گستره‌ای وسیع‌تر، مورد توجّه بیش‌تر قرار گرفت. در همین دوران مجتمع دانشگاهی هنر (سابق) با بازنگری در برنامهٔ آموزشی رشتهٔ حفاظت و مرمّت اشیاء و بناهای تاریخی[۱۹]، دورهٔ کارشناسی این رشته را در دانشکدهٔ پردیس اصفهان راه‌اندازی کرد و بدین ترتیب بار دیگر نظام آموزشی در کنار نظام اجرایی میراث فرهنگی قرار گرفت تا کارشناسان این حوزهٔ پژوهشی/ اجرایی را تعلیم داده و در اختیار آن سازمان قرار دهد (تصاویر ۵ و ۶).

تصویر ۵. اوّلین دورهٔ کارشناسی حفاظت و مرمّت آثار تاریخی بعد از انقلاب اسلامی: ردیف اوّل ایستاده (پشت) از راست به چپ: الیاس صفّاران، امیر درویشی، محسن موّحدی، سعید عامری ماهانی، حسن خلیلی زنوز، سیامک علیزاده، محمّدحسن اثباتی، علی‌رضا بهرمان؛ ردیف دوّم ایستاده از راست به چپ: خسرو فرّی، نوشین پورسپاهی، آزرم شاهپوری، عبدالمجید مقدّسیان، حمید ملکیان، سیروس آقایی، میترا اعتضادی، مهین سهرابی، رسول وطن‌دوست؛ ردیف نشسته از راست به چپ: اصغر پورشیروی، محمّد روناسی، محس نعیمیان، رضوان وقری‌مقدّم، ایرج رستمیان.

تصویر ۶. ورودی دانشکدهٔ پردیس اصفهان در سال‌های نخستین دههٔ شصت.

در همان دوران و پیش از آن در دورهٔ فعالیّت دانشگاه فارابی (سابق)، تمامی تلاش آن بود تا واژه‌های حفاظت و مرمّت پیوسته در کنار یکدیگر قرار داشته باشند تا از این راه روشن باشد که وظیفهٔ کارشناس این حوزه تنها درمان و مرمّت آثار فرهنگی ـ تاریخی نیست، بلکه امر حفاظت نیز باید جزو مسئولیّت‌های اصلی او قرار گیرد. در همین احوال و پیرو اندیشه‌های اولیّه پیرامون تأسیس آزمایشگاهی در زیرِ زمینِ واقع در روبه‌روی ساختمان موزه‌ی دوران اسلامی (فعلی)، فکر ایجاد مرکز یا واحدی که بتواند وظیفهٔ سامان‌دهی تشکیلاتی، نظری، و اجرایی حفاظت و مرمّت آثار منقول تاریخی ـ فرهنگی را با عنایت به دیدگاه‌های تازهٔ سازمان میراث فرهنگی کشور به انجام رساند، پی‌گیری می‌شد. نباید از نظر دور داشت که در همین احوال موزهٔ ایران باستان و بعدها موزهٔ ملّی ایران نیز فعّالانه در راه مرمّت اشیای تاریخی فعالیّت می‌کرد، به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۴ شمسی کارگاه مرمّت این موزه با برنامه‌ای گسترده شروع به فعالیّت مجدّد کرد. سازمان میراث فرهنگی که کمبود نیروهای اجرایی در حوزه‌های پژوهشی و اجرایی تحت پوشش خود یعنی باستان‌شناسی، حفاظت و مرمّت بناهای تاریخی، حفاظت و مرمّت اموال فرهنگی، مردم‌شناسی، موزه‌داری، هنرهای سنّتی، و راهنمای موزه‌ها و بناهای تاریخی را احساس می‌کرد، در سال ۱۳۶۸ مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی را راه‌اندازی کرد و در مقطع کاردانی و در هفت رشتهٔ مورد اشاره به تربیت کاردانان جوان پرداخت تا از این طریق فقدان

نیروهای اجرایی در این حوزه‌ها جبران شود.

در همان روزهای نخست شروع کار سازمان میراث فرهنگی کشور، طرح ایجاد آزمایشگاه تحقیقاتی حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی تهیه و به سازمان ارایه شد. با تصویب طرح توسط مدیران سازمان، همکاری همه‌جانبه برای تهیّهٔ بخشی از وسایل و تجهیزات مورد نیاز و تخصیص همان آزمایشگاه و کارگاه مستقر در زیرزمین ساختمان دوطبقهٔ مرکز باستان‌شناسی سابق (پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی فعلی) به عنوان هستهٔ اولیهٔ آن، کار سازمان‌دهی آزمایشگاه آغاز شد و با گسترش موقّت آن به دو طبقهٔ جناح شمالی ساختمان موزهٔ دوران اسلامی (تصاویر ۷ الف و ب)، در دی‌ماه سال ۱۳۶۹ با حضور زنده‌یاد مرحوم پروفسور دکتر محمود حسابی گشایش یافت (تصاویر۸، ۹ و ۱۰). در این زمان به جز واحدهای پیشین، بخش‌های طیف‌نگاری فلوئورسانس پرتوی مجهول (XRF)، فلزنگاری و فلزشناسی، سال-یابی به روش کربن ۱۴، سالیابی به روش گرمالیان (ترمولومینسانس) و کتابخانه نیز به آزمایشگاه افزوده شد.

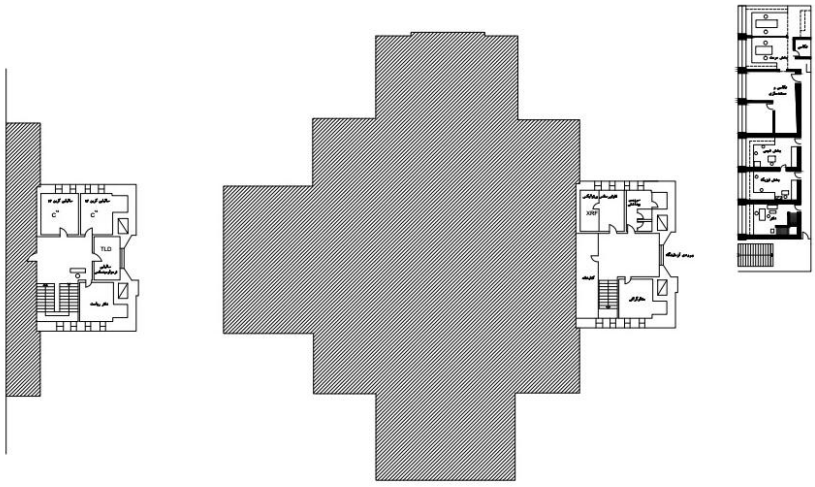

(ب) (الف)

تصویر ۷ الف و ب. تشکیلات و بخش‌های آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی حفاظت و مرمّت آثار فرهنگی ـ تاریخی، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴.
(الف): آزمایشگاه و کارگاه قدیمی و زیرزمین جناح شمالی ساختمان موزهٔ دوران اسلامی؛ (ب): طبقهٔ اوّل جناح شمالی ساختمان موزهٔ دوران اسلامی.

(۸)

(۹)

(۱۰)

تصاویر ۸ و ۹ و ۱۰. شروع به کار رسمی آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی با حضور مرحوم پروفسور دکتر محمود حسابی، مرحوم دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، آقای مهندس ایرج حسابی و جمعی از مسئولین و کارکنان سازمان میراث فرهنگی کشور و آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی.

همزمان با برگزاری اوّلین گردهمایی توسعه و تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های حفاظت و مرمّتِ اموال فرهنگی در کشور موضوع گسترش شبکهٔ فنّی و نظری حفاظت از آثار تاریخی ـ فرهنگی مورد توجّه قرار گرفت. مرحوم دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی که به‌حقّ سهمی عمده و بی‌چون و چرا در حمایت از برنامه‌های حفاظتی، به‌ویژه راه‌اندازی آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی و بعدها احداث ساختمان پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی داشتند، در نخستین روز برگزاری این گردهمایی ضرورت تهیهٔ مواد و تجهیزات آزمایشگاهی را همچون ضرورت خرید مصالح ساختمانی برای کار مرمّت دانست، در عین حال حفظ ارزش‌های وجودی و شهودی موضوع مرمّت و توجّه به دانش و معارف سنّتی را نیز از اهم وظایف مرمّتگران و حفاظتگران برشمرد (تصویر ۱۱). بدین ترتیب دو موضوع حفاظت و مرمّت پیوسته در کنار یکدیگر دیده شدند. در همین دوران برنامهٔ آموزشی دورهٔ کارشناسی ارشد حفاظت و مرمّت آثار تاریخی تدوین شد و بار دیگر این رشته در دانشکدهٔ پردیس اصفهان راه‌اندازی شد. تلاش زیادی به‌عمل آمد تا مباحث نظری جایگاه خود را در برنامهٔ آموزشی این دوره کسب کنند.

تصویر ۱۱. مرحوم دکتر باقرآیت‌الله‌زاده شیرازی به هنگام سخنرانی در جلسهٔ گشایش اوّلین گردهمایی توسعه و تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های حفاظت و مرمّت اموال فرهنگی کشور.

پس از چندی و بنا به ضرورت، تجهیزات بیش‌تری برای آزمایشگاه تهیّه شد و کارشناسان و کاردانان زیادتری به کار گرفته شدند. صحنهٔ تالار سخنرانی ساختمان موزهٔ دوران اسلامی با نصب جداکننده‌ای چوبی به دو نیمه تقسیم شد و کتابخانه به نیمهٔ پشتی آن منتقل شد. در ورودی موجود در بخش غربی صحنهٔ تالار باز شد و با استفاده از بخشی از نیمهٔ غربی طبقهٔ همکف ساختمان موزه (تصویر ۱۲) و افزودن چند بخش دیگر از جمله، بخش‌های طیف‌سنجی پراش پرتو مجهول (XRD)، الکتروشیمی، طیف‌سنجی تبدیل فوریه مادون قرمز و کروماتوگرافی گازی (GC-FTIR)، پلاسمای جفت‌شدهٔ القایی (ICP)، میکروسکوپی، و امور بین‌الملل، آزمایشگاه گسترش کیفی و کمّی بیش‌تری یافت و به سبب مسئولیّت‌هایی که این نهاد به عهده داشت در سال ۱۳۷۴ نام آن به مرکز تحقیقات حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی تغییر یافت. در همین دوران و با تغییر وضعیّت تشکیلاتی سازمان میراث فرهنگی به پژوهشگاه، این مرکز با تشکیل سه گروه پژوهشی سیاست‌های عمومی و امور نظارتی، شناخت مواد و فن‌آوری، و سالیابی و محیط، به یکی از پنج پژوهشکدهٔ این پژوهشگاه تبدیل شده و نام «پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی» را به خود گرفت[۲۰]. در تشکیل این سه گروه پژوهشی همان اندیشهٔ همیشگی و درونی ضرورت‌های وجودی مفهوم توجّه به میراث فرهنگی و حفاظت و نگاهداری بازمانده‌های فرهنگی پی‌گیری می‌شد. وظیفهٔ عمده و اصلی مرکز یا پژوهشکده‌ای این‌چنین بیش از هر امر دیگر اشاعهٔ فرهنگ شناخت و ادراک میراث فرهنگی است، به گونه‌ای که با گسترش آگاهی‌های عمومی و تخصّصی، چه در نزد کارشناسان و چه در نزد عموم، نسبت به ضرورت حفاظت و مراقبت از مواریث به‌جای‌مانده از گذشتگان و بهره‌گیری از ظرفیّت‌های درونی و بیرونی آنها برای اعتلای فرهنگ و نیز توسعهٔ فرهنگی و اقتصادی، حفاظت از میراث فرهنگی امری عمومی تلقّی شود و بدین ترتیب نه فقط سازمان میراث فرهنگی کشور، که تمامی لایه‌های مختلف اجتماعی انجام این مهم را هدف و وظیفهٔ خود بدانند. تنها از این راه است که فرهنگ نگاهداری از آثار هنری و فرهنگی پهنه‌ی بیش‌تری می‌گیرد تا دیگر این‌همه به مرمّت نیاز نباشد. گروه پژوهشی سیاست‌های عمومی و امور نظارتی این هدف را دنبال می‌کرد که به توسعهٔ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های حفاظت و مرمت در درون و بیرون سازمان کمک کند تا بدین ترتیب بایدها و نبایدهای موضوع حفاظت از میراث فرهنگی بر پایه‌ی نیازها و اولویّت‌های کشور معلوم شوند و حفاظت سرلوحهٔ کارها قرار گیرد، و در سایهٔ آن افقی ترسیم شود که در آن موضوع دخالت در اثر تاریخی (مرمّت و درمان) دیگر اولویّت اوّل نباشد، بلکه در عوض چنان رفتار شود که شناخت اعتلا یابد و حفاظت سرمشق کاریِ همگان، به‌ویژه مرمّت‌کاران و حفاظتگران قرار گیرد. دو گروه پژوهشی دیگر نیز همین هدف را دنبال می‌کردند و می‌کنند. با سال‌یابی و آگاهی از فن‌آوری و دانش سنّتیِ آفرینش و ساخت آثار فرهنگی و تاریخی است که می‌توان در راه شناخت و ادراک اثر قدم نهاد؛ گرچه شاید این ادراک به کمال میسّر نباشد، یا اگر باشد دشواری آن فراوان باشد.

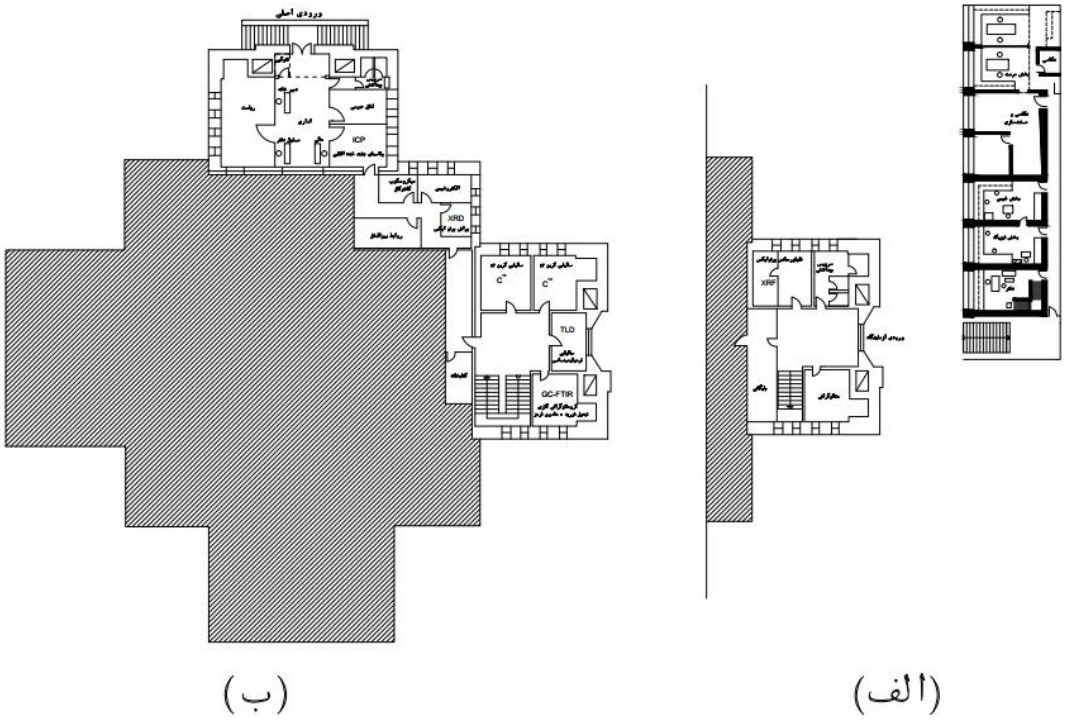

تصویر ۱۲. تشکیلات و بخش‌های مرکز تحقیقات حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی، ۱۳۷۴ تا۱۳۷۶.

در تمام این دوران، یعنی از سال ۱۳۵۷ به این سو، و به‌ویژه با تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور، اندیشهٔ احداث بنایی برای مرکز حفاظت از آثار فرهنگی همچنان پی‌گیری می‌شد. در همان سال‌های آغازین تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور با توافق رییس وقت سازمان و طیّ یک قرارداد ۹ ماهه، نیمهٔ غربی زمین مربوط به آزمایشگاه در اختیار شرکت قطار شهری تهران و حومه قرار گرفت تا به طور موقت به کارگاه احداث تونل مترو تبدیل شود. نیمهٔ دیگر زمین همچنان در اختیار وزارت امور خارجه قرار داشت و به عنوان محل توقّف و نگهداری اتوموبیل و نیز برخی فعالیّت‌های کارگاهی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در همهٔ آن سال‌ها، یعنی از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۶، زمانی که کلنگ احداث ساختمان پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی به زمین زده شد[۲۱]، زمین در اختیار این دو دستگاه قرار داشت و با آنکه طرح ساختمان تهیه و مقدّمات کار نیز فراهم شده بود ولی امکان شروع عملیّات اجرایی وجود نداشت. به دنبال انجام مذاکرات و پی‌گیری‌های متعدد سرانجام و در ابتدا شرکت مترو و سپس وزارت امور خارجه نسبت به تخلیهٔ زمین اقدام کردند[۲۲] و کلنگ احداث ساختمان در زمستان ۱۳۷۶ به زمین زده شد و عملیّات ساختمانی آغاز شد (تصاویر ۱۳ تا ۱۸).

(۱۴)

(۱۳)

(۱۶)

(۱۵)

(۱۸)

(۱۷)

تصاویر ۱۳تا ۱۸. شروع عملیّات ساختمانی و مراحل آغازین احداث ساختمان پژوهشکده حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی با حضور جناب آقای سیّدمحمّد بهشتی.

برای طرّاحی ساختمان مطالعات زیادی پیرامون نمونه‌های مشابه جهانی، نیازهای داخلی، چشم‌انداز دور حفاظت و مرمّت آثار تاریخی در کشور، و موقعیّت مکانی پژوهشکده در بافت تاریخی شهر تهران[۲۳] و نزدیکی آن به موزهٔ ایران باستان و موزهٔ دوران اسلامی انجام شد و ظرفیّت‌ها و کاستی‌های موجود در نظر گرفته شد. دو طرح تهیّه شد. طرح اوّل که نشان از معماری امروزین داشت[۲۴] ضمن ارزش‌های وجودی و مفهومی آن با مخالفت روبه‌رو شد، و بعد طرح دیگری از سوی معماری جوان[۲۵] تهیّه شد که بافت تاریخی منطقه، ساختمان‌های قدیمی مجاور، محدودیّت در ارتفاع، و نیازهای اجرایی را در طرّاحی خود در نظر داشت. این طرح مورد پذیرش قرار گرفت و ساختمان با زیربنایی نزدیک به ۸۰۰۰ متر مربّع در زمینی به وسعت حدود ۵۰۰۰ متر مربّع بر همان اساس ساخته شد. پژوهشکده از یک حیاط مرکزی و چهار طبقه تشکیل می‌شد که دو طبقه در زیرِ زمین و دو طبقهٔ دیگر در روی زمین احداث شده اند (تصاویر ۱۸ و ۱۹). بنا چنان طراحی شد تا جریان یک کار جامع مرمّتی، از مستندنگاری، پژوهش، بررسی، و شناخت گرفته تا انجام کارهای حفاظتی و مرمّتی در آن به سهولت و با استفاده از بهترین شرایط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری عملی باشد. امکانات تأسیساتی از جمله برق و گاز برای استفاده در آزمایشگاه پیش‌بینی و طرّاحی شده و به اجرا درآمد. تمامی آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها بر پایهٔ مطالعات زیاد طرّاحی و ساخته شدند و امکانات فنّی مورد نیاز در آنها تعبیه شد تا جوابگوی فعالیّت ویژه‌ای که قرار بود از سوی کارشناسان مربوطه در آنها به اجرا درآید، باشند. تمامی اعتبار مورد لزوم از سوی سازمان برنامه و بودجه اختصاصاً برای طرح احداث ساختمان آزمایشگاه تأمین و در اختیار سازمان قرار می‌گرفت و گروه نظارتی زُبده‌ای نیز بر چگونگی پیشرفت کار نظارت پیوسته داشتند.[۲۶] بخش عمده و اساسی ساختمان به بخش‌های فنّی آزمایشگاهی و کارگاهی و نیز قسمت‌های پشتیبانی‌کنندهٔ آنها تخصیص یافت و تنها بخشی اندک، در جناح جنوبی طبقهٔ دوّم ساختمان برای برآوردن نیازهای مدیریّتی و اداری پژوهشکده معیّن شد.

(۱۸)

(۱۹)

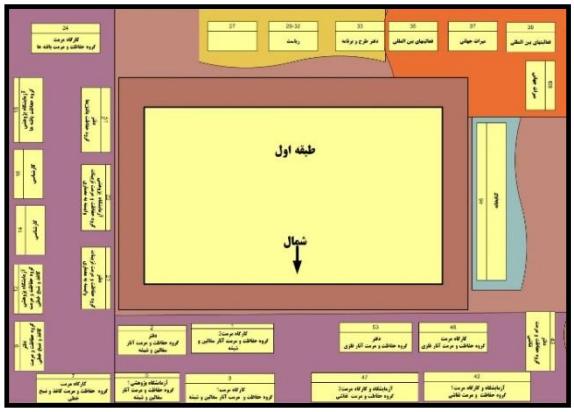

(۲۱)

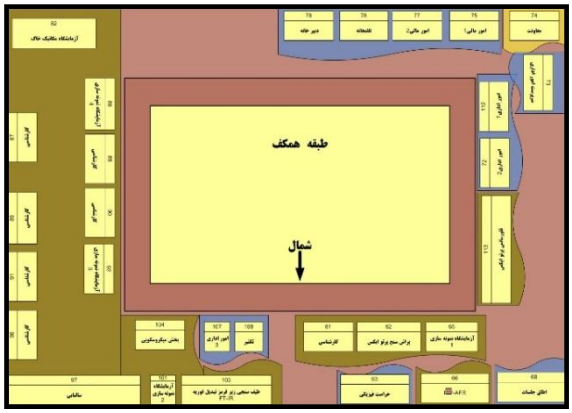

(۲۲)

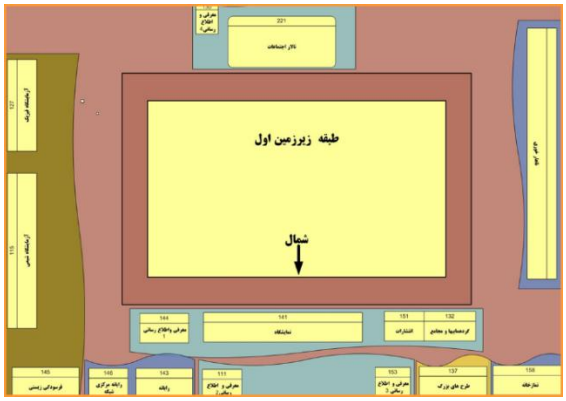

(۲۳)

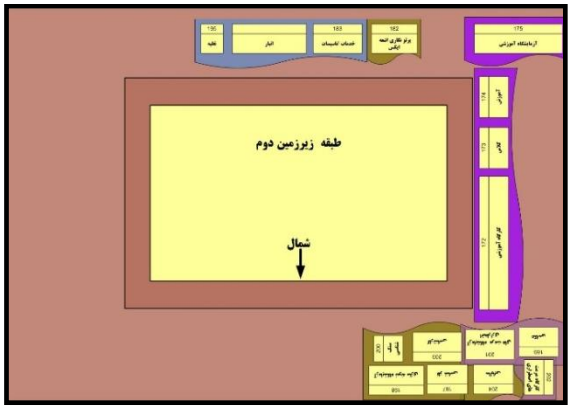

(۲۴)

تصاویر ۱۸ تا ۲۳. سردر جنوبی ساختمان پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی و نمای جنوبی آن پس از اختتام کارهای ساختمانی به همراه بخش‌های مختلف مرکز به هنگام گشایش ساختمان در سال ۱۳۸۴.

طبقهٔ دوّم زیرزمین (تصویر۲۴) به استقرار تجهیزات سنگین (فلزشناسی و سنگ‌شناسی) و آزمایشگاه‌هایی که به نور اندک احتیاج داشت و می‌بایست در فاصله‌ای دورتر از دیگر واحدها قرار داشته باشند (سال‌یابی و پرتونگاری اشعهٔ ایکس)، بخش آموزش، انبارها، آزمایشگاه و کارگاه برای انجام مرمّت‌های اضطراری، واحد عکاسی، و نقلیه اختصاص یافت. انبارها به بهترین امکانات مورد نیاز برای نگهداری امن اشیاء تاریخی مجهز شدند. بخش آموزش که یکی از مهم‌ترین واحدها در این گونه مراکز پژوهشی محسوب می‌شود و در پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی به دلیل جایگاه آن در بین دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی موقعیّتی ویژه دارد، به روزآمدترین تجهیزات آموزشی، به عنوان مثال استریومیکروسکوپ‌های مطالعاتی و ابزار مرمّت مجهّز شد. آزمایشگاه پژوهشی و کارگاه مرمّت نیز برای این بخش به وجود آمد.

در طبقهٔ اوّل زیرزمین (تصویر۲۳) آزمایشگاه شیمی، آزمایشگاه فیزیک، آزمایشگاه فرسودگی زیستی، بخش رایانه، معرّفی و اطلاع‌رسانی، طرح‌های بزرگ، گردهمایی‌ها و مجامع، انتشارات، نمایشگاه، نمازخانه، تالار غذاخوری، و تالار اجتماعات سامان‌دهی شدند. تالار سخنرانی با استفاده از کمک‌های فنّی دولت ژاپن

به وسایل صوتی و نمایشی مناسب مجهز شد. کمک های دولت ژاپن به امکانات مورد نیاز برای این تالار خلاصه نشد، بلکه دستگاه پرتونگاری اشعهٔ ایکس و میکروسکوپ‌های مختلف از جمله استریومیکروسکوپ‌های بخش‌های مرمّت و نیز استریومیکروسکوپ بازودار بخش مرمّت نقّاشی نیز از همین محل تأمین شد. واحدهای کارشناسی، آزمایشگاه‌های فلوئورسانس پرتو ایکس، پراش پرتو ایکس، طیف‌سنجی تبدیل فوریه ـ مادون قرمز و کرماتوگرافی گازی، نمونه‌سازی، مکانیک خاک، سال-یابی، میکروسکوپی، و تعدادی از واحدهای اداری در طبقهٔ همکف مستقر شدند (تصویر ۲۲). بخش عمدهٔ آخرین طبقه، یعنی طبقهٔ نخست ساختمان، به آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های حفاظت و مرمّت (بافته‌ها، کاغذ و نسخ خطّی، سفال و شیشه، فلزّات، نقّاشی، و تزیینات وابسته به معماری)، که به نور روز و کافی نیاز داشتند، تخصیص یافت و بخشی دیگر از آن به امور مدیریّتی، فعالیّت‌های بین‌المللی و میراث جهانی، و کتابخانه سپرده شد (تصویر ۲۱).

عملیّات ساختمانی نزدیک به هشت سال طول کشید. کار انتقال تجهیزات و وسایل از سال ۱۳۸۳ و با آماده شدن ساختمان، شروع و به‌تدریج تکمیل شد و سرانجام در چهاردهم آذرماه سال ۱۳۸۴ مکان جدید پژوهشکده رسماً با حضور مقامات سازمان و جمعی از اهالی فرهنگ گشایش یافت. به‌واقع باید گفت طرح و اندیشه‌ای که از سال‌های آغازین دههٔ پنجاه شمسی شکل گرفته بود، سرانجام پس از نزدیک به ۳۵ سال و در پی سال‌ها تلاش و همکاری به واقعیّت پیوست. در این روز پژوهشکده به‌عنوان «خانهٔ مرمّتگران کشور» معرّفی شد و دفتر ثبت میراث جهانی نیز در همین پژوهشکده مستقر شد.

افزایش سطح آگاهی‌های تخصّصی و عمومی پیرامون موضوع اهمیّت و ضرورت حفاظت و مرمّت آثار فرهنگی و ارتقای این امر مهم در حوزهٔ میراث فرهنگی، یاری‌رسانی به درک بهتر آثار، هم از منظر فکری و هم از دیدگاه فنّی از طریق شناخت بهتر آثار، و یافتن شیوه‌های علمی بهتر برای حفاظت، ماندگاری و مرمّت کارهای هنری و تاریخی و فرهنگی اهداف اصلیِ آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی، مرکز تحقیقات حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی، و سرِآخر پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی بوده اند. از همان آغاز کار یعنی سال‌های دههٔ پنجاه، تا روزهای پایانی شکل‌گیری پژوهشکده، همیشه واژهٔ حفاظت پیش از مرمّت آورده شده است تا بدین ترتیب بر برتری موضوع «حفاظت» بر «مرمّت» تأکید شده باشد. به همین خاطر است که در شکل‌دهی پژوهشکده در کنار هر کارگاه یک آزمایشگاه قرار داده شد، به برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف، چه در سطوح دانشگاهی و چه در سطوح عمومی، بهای زیادی داده شد، امر معرّفی جدّی گرفته شد، و در این راه تلاش زیادی به عمل آمد. در طیّ آن سال‌ها یعنی از اوایل دههٔ شصت تا ۱۳۸۸، گسترش فعالیّت‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی، و به معنایی معرّفی، جزو اهداف اصلی قرار گرفت. برگزاری همایش‌های مختلف داخلی و منطقه‌ای و جهانی از جمله همایش‌های سالانه و بعدها دوسالانه‌ی حفاظت و مرمّت، کنفرانس بین‌المللی حفاظت از آثار خشتی، نشست‌های منطقه‌ای، همایش بین‌المللی فلزکاری کهن، کنفرانس بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی، کمک به جهانی‌سازی موضوع تخریب ارگ بم در اثر زلزله‌ی دهشتناک دی‌ماه سال ۱۳۸۲ و جلب توجه جهانی به این حادثهٔ مهم و نیز برگزاری دوره‌های گوناگون آموزشی با همکاری مؤسسات مهمّی همچون ایکروم، ایکوموس، یونسکو و دانشگاه‌های معتبر داخلی و جهانی، از جمله دوره‌های کارورزی و آموزشی خشت در چغازنبیل، سنگ در تخت جمشید، و کاغذ، نقّاشی، و سفال و غیره در پژوهشکده، همه و همه با هدف اعتلای درک بهتر میراث فرهنگی و ایجاد تعامل بیش-تر در بین ذی‌نفعانی صورت گرفته است که به نوعی در امر حفاظت و معرّفی دارایی‌های فرهنگی نقش دارند. در همین راستا بود که پژوهشکده از سوی ایکروم به عنوان

دبیرخانه و مرکز هماهنگ‌کنندهٔ فعالیّت‌ها در منطقهٔ آسیای میانه و غربی انتخاب شد، امری که توجّه بیش‌تر به آن ضروری است. در جریان اجرای تمامی فعالیّت‌ها، از طریق انتشارات مختلف، پیوسته بر ضرورت توجّه به حفاظت و حفاظت پیشگیرانه، و افزایش آگاهی‌های عمومی و تخصّصی، و شاید از همه مهم‌تر درک و شناخت میراث فرهنگی، اصرار ورزیده شده است.

خلاصه این که دیروزِ پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی، و به‌واقع دیروزِ حوزهٔ حفاظت و مرمّت، محدودهٔ زمانی بیش از یکصد و سی سال یعنی از ایجاد نخستین کارگاه مرمّت در شوش در ۱۲۵۸ تا گشایش ساختمان پژوهشکده در ۱۳۸۴ شمسی را در بر می‌گیرد. از همان آغاز کار رویارویی حوزه‌های نظر (چرایی‌ها و چیستی‌ها) و عمل (چگونگی‌ها و چقدرها) در این رشتهٔ اندیشه‌پردازانه و کارکردی حضور فعّال و بی‌چون و چرای خود را نشان داده است؛ نکته‌ای که هم در قوانین (به عنوان مثال قانون عتیقات)، هم در سیر تحوّل رشد و بالَندگی این رشته، و هم در آموزش و پژوهش آن قابل مشاهده است. از همان آغاز این که از چه واژه، یعنی مرمّت یا حفاظت، یا ترکیب‌بندی واژه‌ای، حفاظت ـ مرمّت یا حفاظت/مرمّت، استفاده شود تا هم جوهر کار عرضه شود و هم مرمّتگر و حفاظتگر و هم مخاطب اثر دچار وهم دیدگانی و ذهنی نشوند، موضوعی پیش رو و دشوار برای رویارویی بوده است. آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی، مرکز تحقیقات، و پژوهشکده، همگی توسعهٔ امر شناخت، درک، و در نتیجه نهادینه‌سازی موضوع حفاظت از میراث فرهنگی را پیشهٔ اصلی خود داشته اند و چگونگی رسیدن به این موعود را به واسطهٔ گذر از راهی می‌دانسته اند که در آن اجرای کارهای آزمایشگاهی و درمان و مرمّت و معرّفی، و بسیاری فعالیّت‌های آموزشی و پژوهشی و اجرایی دیگر، این طیّ طریق دشوار را میسّر می‌کرده اند.

امروز

گرچه امروز پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت به ظاهر تفاوت زیادی با دیروز آن یافته است، امّا چنین به نظر می‌آید که سرچشمه‌های این اندیشهٔ طولانی و تاریخی همچنان پربار و جاری باشند.

از سال ۱۳۸۸ به این سو و در پی تغییر و تحوّلاتی ناگهانی، در ابتدا پژوهشکدهٔ دیگری به ساختمان پژوهشکدهٔ مرمّت منتقل شد و زمانی نگذشت که پژوهشگاه نیز به این مکان نقل مکان کرد. ساختار این مرکز که همچون آینه‌ای است که تصویر یکی دو سده از تاریخ مرمّت در ایران را نشان می‌دهد و خود به معنایی بخشی از میراث فرهنگی کشور به حساب می‌آید، دچار بحران شد. چندی بعد سازمان میراث فرهنگی به این ساختمان منتقل شد و بخشی از نیروی انسانی پژوهشکدهٔ مرمّت به واحدهای دیگر انتقال یافت و قسمتی از تجهیزات و وسایل آن به شهر دیگری که قرار است مکان تازه‌ی پژوهشکده باشد برده شدند. مدّتی بعد پژوهشکده دوباره به تهران بازگشت و به سختی در بخشی از ساختمان مربوط به خود، جای گرفت. بعدها بخشی عمده از نظام اداری پژوهشگاه در این ساختمان مستقر شد، یکی دو پژوهشکدهٔ دیگر نیز در آن باقی ماندند و پژوهشکدهٔ مرمّت نیز در کنار آنها به فعالیّت خود ادامه داد. بدین ترتیب ساختمانی که در اساس به عنوان یک مرکز تحقیقاتی و برای پاسخگویی به نیازهای فنّی و آزمایشگاهی طراّحی و ساخته شده بود عمدتاً به مرکزی اداری و صرفاً برای پاسخگویی به این‌گونه ضرورت‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

چندپارگی کالبدی پژوهشکده که به‌واقع به معنای چندپارگی اندیشه‌ای است که از منظر تاریخی بیش از یک قرن و نیم سابقه دارد و از دیدگاه معاصر حاصل نزدیک به پنجاه سال برنامه‌ریزی و تلاش است، امّا دشواری زیادی را بهمراه ندارد زیرا که به‌سادگی و با دوراندیشی و برنامه‌ریزی مجدّد و البته خواست و همّت افراد، قابل بازگشت به سرمنزل خود و از آنجا حرکت به سوی آینده است. لیکن آنچه نیاز به کار دوچندان دارد

تأمین نیروی انسانی، تبیین دوبارهٔ جایگاه واقعی پژوهشکده در درون سازمان، بیرون سازمان، و جامعهٔ جهانی است.

برداشت این است‌که حالِ امروزِ موضوع حفاظت و مرمّت از آثار فرهنگی، چه در نظام دانشگاهی و چه در درون نظام اجرایی، بیش‌تر متمایل به علم‌محوری و سنجیدن و دخالت است. البته این همه خود نشان از آن دارد که شاید پایه‌های «مرمّت نوین» یا به معنایی دیگر «مرمّت علمی» در کشور قوام یافته است امّا متأسفانه معنای دیگری نیز از آن قابل دستیابی است و آن این است که از سرچشمه‌های اصلی و واقعی موضوع حفاظت و مرمّت فاصله گرفته شده است. ریشه‌های اصلی و واقعی موضوع مرمّت و نیز حفاظت، در قلمروی تاریخ، تاریخ هنر، فلسفه، و معرفت پاگرفته و نشو و نما کرده است و بعدها، علم، به مفهوم امروزی آن به یاری آن نهال شتافته است تا در معرکهٔ تلاطمات ظالمانهٔ زمانه تاب آورد و فرصت آن فراهم شود تا به درختی بارور بدل شود؛ درختی که سایه‌اش آرام‌بخش آلام بشریّت است و میوه‌هایش جان‌بخش و هستی‌زا.

کشور کهن ایران سزاوار آن است که در حیطهٔ حفاظت از مواریث فرهنگی نه تنها از کشورهای هم‌طراز خود عقب نباشد، بلکه مثل همیشه پیش‌قراول و هادی باشد. بدین منظور وجود پژوهشکده‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای نظری و عملی مراقبت و نگاهداری از کارهای فرهنگی باشد و افقی دست‌ِکم صدساله را در پیش رو داشته باشد، ضرورت است. امروزِ میراث فرهنگی جهان، تلاش در راستای حفاظت، نگاهداری، حفاظت پیشگیرانه و معرّفی است. امروزِ حفاظت و مرمّت کوشش در جهت ارایه و تبیین ارزش‌های درونی و بیرونی آثار از طریق مطالعه، بررسی، و ادراک است؛ کوششی که فقط و فقط با یاری‌رسانی حوزه‌های مختلف علوم انسانی، هنر، و علوم طبیعی به ثمر می‌نشیند. وجود یک برنامهٔ مدوّن راهبردی درازمدّت که بر بنیان نیازها و اولویّت‌های حفاظتی و مرمّتی میراث فرهنگی کشور و نیز ظرفیّت‌های بالقوّه و بالفعل کشور، که بسیار فراوان و پُربار نیز هستند، امری اساسی و ضروری است. توجّه به کهن‌سنجی، علم مواد، و دانش روز حایز اهمیّت زیادی است، امّا دوری از تاریخ، هنر و اندیشه‌پردازی، دالان رسیدن به معبود را چنان تنگ و تاریک خواهد کرد که گذر از آن اگرنه غیر ممکن، بسیار سخت و رنج‌آور خواهد شد.

میراث فرهنگی دانشی جهانی است که می‌تواند بومی شود. پژوهشکده می‌باید به جایگاه ملّی و جهانی خود دست یابد، و این مهم میسّر نیست مگر آنکه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن نه تنها به آن بازگردانده شود، بلکه روزآمد شده و دوچندان شود. پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت «خانهٔ مرمّت‌کاران و حفاظتگران کشور» است و بدین واسطه باید همچون حلقهٔ ارتباط‌دهندهٔ بین نظام‌های آموزشی و اجرایی کشور عمل کند و باقی بماند، و وقتی به‌کمال چنین شد، نقش شایستهٔ خود را در منطقه و جهان بازی کند. حفاظتگران و مرمّتگران پزشکان مواریث فرهنگی کشور اند. پزشکی به کمال نمی‌رسد اگر فرهنگ «بهداشت» اشاعه نیابد و همسان با بیمارستان و آزمایشگاه «خانه‌های بهداشت عمومی» توسعه نیابند. این گونه است که نیاز به بیمارستان و آزمایشگاه کاهش می‌یابد و به جای‌شان «بهداری» قوّت می‌گیرد. پزشکان مواریث فرهنگی با اشاعهٔ فرهنگ حفاظت، مراقبت، نگاهداری، و مواظبت، به همهٔ میراث فرهنگی کشور می‌نگرند و «بهداری» را در مورد همهٔ آنها ارتقا می‌دهند تا بدین گونه همهٔ میراث فرهنگی کشور در همه جای کشور یکسان دیده شوند و کار دخالت، اگر دخالت به عنوان آخرین حربهٔ حفاظتی مورد نظر قرار گیرد، برای بیمارانی به کار گرفته شود که بی‌دخالت از دست می‌روند و با رفتن‌شان ارزش‌های درونی و بیرونی‌شان نیز به دیار فراموشی سپرده می‌شوند.

پژوهشکدهٔ امروزِ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی قرار است و باید چنان عمل کند که دست‌یابی به چنین افقی برای میراث فرهنگی کشور میسّر شود.

فردا

به نظر نمی‌آید در این نکته تردیدی وجود داشته باشد که آیندهٔ ما را گذشته شکل خواهد داد، و از این روی هرچه گذشته بهتر، اصیل‌تر، واقعی‌تر، و مثل خودِ گذشته باقی بماند، آینده‌ای که شکل می‌گیرد، آینده‌ای اصیل‌تر، ریشه‌دارتر، پُرمعنی‌تر، و حقیقی‌تر خواهد بود. جهان فردا بیش از پیش تشنهٔ درک گذشته و نه دیدار گذشته خواهد بود. مردمان فردا که به نظر می‌آید بخش افزون‌تری از میراث فرهنگی مادّی خود را به علت توسعهٔ بیش‌تر شهرها، سرعت مهارناپذیر رُشد فن‌آوری، غفلت از اهمیّت و ارزش‌های پنهان و آشکار مواریث فرهنگی، اهریمن پلشت گذر زمان و نابردباری‌های طبیعت، و بی‌توجّهی آدمیان از دست خواهند داد، شاید با دشواری بیش‌تری برای فهم دُرُست و واقعیِ همهٔ آنچه در گذشته‌شان وجود داشته است، رویارو خواهند بود.

جهان فردای حوزهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی جهانی است که در آن هنر، تاریخ، مردم‌شناسی، مردم‌باوری، معرفت، شناخت، و علوم دقیقه را با آگاهی بیش‌تری در کنار خود قرار می‌دهند تا به یاری یکدیگر ادراک بهتر و ژرف‌تر گذشته و آنچه از آن باقی مانده است را برای انسان فردای تشنه‌تر نسبت به اصل خود میسّر کنند. جهان فردای این حوزه جهانی است که درسی سخت و پُرهزینه از ناملایماتی گرفته است که طبیعت و خود در طیّ چند قرن بر میراث فرهنگی روا داشته اند. طبیعت که طبیعت است و بر بنیان طبیعت خود عمل می‌کند و از این روی چاره‌ای جز پذیرش خرابی‌های حاصل از لرزه‌های دهشتناک، تغییرات هولناک، و تأثیرات گرانبار آن نیست. امّا بخش عمده‌ای از محیط پیرامون میراث فرهنگی و همهٔ آنچه به عنوان رفتار با آن به شمار می‌آید زاییدهٔ فعالیّت‌های خود بشر و غفلت‌ها و ناآینده‌نگری‌های اوست. و همین‌جاست که نکتهٔ اصلی امر حفاظت و نگاهداری میراث فرهنگی در آن نهفته است. جهان آیندهٔ حفاظت از میراث فرهنگی، جهانی است که در آن درمان و مرمّت تنها هنگامی به کار گرفته می‌شوند که موجودیّت اثر در خطر انهدام قرار دارد، و تن نحیف گذشته به سادگی به دست تیغ جرّاحان مرمّتگر سپرده نمی‌شود.

در جهان آیندهٔ حفاظت و مرمّت آثار فرهنگی، بهترین مرمّتگر کسی است که اجرای مرمّت را پیشه نمی‌کند، بلکه همانند پزشکی حاذق و صبور، جهان‌دیده، و قسم‌خورده، سلامت و بهداشت بیماران خویش را در اولویت کاری خود قرار می‌دهد، برای آنان محیط سالم فراهم می‌کند، بهداری را در اولویّت می‌گذارد، هر چند مدّت یک‌بار بررسی‌شان می‌کند، جای مناسب فراهم می‌کند تا به خوبی نگه‌شان دارد تا بیمار نشوند، اصل و تبارشان را حفظ می‌کند، اصالت وجودی‌شان را محترم می‌شمارد، به دیگران می‌شناساند، و کهنسال‌شان می‌کند، و دستِ آخر اینکه اگر اهریمن درونی و بیرونی به جان‌شان افتاد و به سوی نیستی‌شان کشانید، آنگاه، و تنها آنگاه، و آن‌هم نه بر بنیان خیال خود که بر شالودهٔ دانش و معرفت، دست به کار می‌شود تا به تیغ جرّاحی زخم‌های‌شان را التیام بخشد و از این راه عمرشان را طولانی‌تر کند، امّا همچنان حفاظت و معرّفی این جسم زخم‌دیده را سرلوحهٔ کار خود قرار می‌دهد. فردای مرمّت، فردای شناخت و فهم و ادراک میراث فرهنگی است، فردایی که بی‌شک علم یاری شایسته، و از بسیاری جهات بی‌همتا، برای آن خواهد بود. کشور کهن و تاریخی ایران با ثروت عظیم کمّی و کیفی میراث فرهنگی خود نیازمند یک برنامه‌ریزی شالوده‌ای و درازمدّت برای نگاهداری و مراقبت از آثار فرهنگی است. برنامه‌ای که در آن موضوع نگاهداری و معرّفی بهینه بر دخالت‌های بی‌مورد پیشی داشته باشد و حفظ طبیعت درونی و بیرونی اثر بر بروز حضور امروزیان بر کار دیروزیان برتری یابد.

فردای پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی فردایی است که در آن نه تنها از نظر نیروی کارشناسی به حد مطلوب می‌رسد و در خانه‌ی خود و «خانه‌ی مرمّتگران کشور» سکنی می‌گزیند، بلکه افقی گسترده‌تر و ژرف‌تر را در پیش روی خود قرار می‌دهد تا همهٔ آنچه ضرورت این کار حسّاس و دشوار است را در

نظر داشته باشد و مسئولیّتی را که نسبت به آینده و آیندگان دارد به درستی و بکمال به انجام رساند. از این روی است که باید هم از نظر تجهیزات و وسایل و ابزار روزآمدتر شده و برآورندهٔ نیازها و اولویّت‌های میراث فرهنگی کشور باشد و هم نسبت به بهره‌برداری از دانش و مهارت کارشناسان مجرّب و پژوهشگران علاقمند اقدام کند.

فردای پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی فردایی است که پژوهشکده به این امر ببالد که دیگر کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های حفاظت و مرمّت در کشور، چه در درون سازمان و چه در بیرون آن، توانایی و دانش آن را دارند که خود مسئولیّت کارها و ظایف خود را به عهده داشته باشند و پژوهشکده را محل پاسخگویی به مسائل پیش روی خود بدانند.

فردای پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت فردایی است که تمام و کمال«پژوهشکدهٔ» حفاظت و مرمّت باشد و پیوسته به انجام پژوهش‌های نظری و عملی پیرامون «حفاظت» و «مرمّت» آثار بپردازد و از این راه فرهنگ «نگاهداری» و «مراقبت» را توسعه دهد و باعث شود تا همگان به سوی حفاظت از میراث فرهنگی جلب شوند.

فردای پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی، و به‌واقع فردای پژوهشگاه میراث فرهنگی، فردایی است که در آن مردم را چنان مجذوب میراث فرهنگی و ضرورت حفاظت و معرّفی آن کرده باشد که بی آنکه نگران باشد به این اطمینان خاطر داشته باشد که مردم حافظ و نگاهبان میراث فرهنگی اند، و او تنها نقشی پژوهشی و راهبردی دارد.

وظیفه مجلّه‌ای علمی که پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمّت آثار تاریخی منتشرش می‌کند آن است که چنین فردایی را محقّق کند و آینه‌ای تمام‌عیار برای بازتاب ارزش‌های میراث فرهنگی باشد، همه‌سوگرایانه و با جامعیّت به موضوع حفاظت و مرمّت بیندیشد و چنان در معرفت و علم ذوب شود که حاصل کارش جز وفاداری به اندیشه‌ها و خواسته‌های آفریدگاران آثار و حفظ و معرّفی ریشه‌ها و بنیان‌های آنها نباشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرمّت (Restoration)، در فرهنگ و ادبیات لاتین این واژه به مفهوم کار یا فرآیندی همچون تعمیر، تمیزکاری و درمان است که انجام می‌گیرد تا شئ یا بنایی به حالت اوّلیّهٔ آن بازگردانده شود و به‌واقع موجودیّت قبلی اثر به آن بازگردانده شود. مرمّت در فرهنگ و ادبیّات پارسی نیز به همین معناست. به عنوان مثال ناصرخسرو در بخش ۸۲ سفرنامهٔ خود از مرمّت حال خود در پیِ گشت و گذاری طولانی سخن می‌گوید و سعدی مرمت را در برابر عمارت به کار می‌گیرد (دارالفنا کرای مرمت نمی‌کند/ بشتاب تا عمارت دارالبقا کنیم). مرمّت در مادّهٔ ۹ منشور ونیز فرآیندی بسیار تخصّصی به شمار می‌آید که هدف آن نگاهداری و آشکارسازی ارزش زیباشناختی و تاریخی یادمان بوده و اساس آن توجّه و پاسداشت نسبت به مواد و مصالح اصلی و شواهد اسنادی اثر فرهنگی است. از دیدگاه چزاره براندی مرمّت رابطه‌ای تنگاتنگ با اصالت دارد تا آنجا که عدم مرمّت بر مرمّت پیشی می‌گیرد. او بر این باور است که هر گونه مداخله‌ای که موجب شود اثری دست‌ساختهٔ بشر کارکرد پیشین خود را بازیابد مرمّت دانسته می‌شود. به هر حال مرمّت را باید فرآیندی دانست که در اثر انجام آن شئ یا بنای تاریخی زندگیِ دوباره یافته و به اصل خود بازگردانیده می‌شود، بی آنکه مرمّتگر خود را به جای آفرینندهٔ نخستین کار گذاشته باشد و اصالت آن را دچار خدشه ساخته باشد.

۲. حفاظت (Conservation)، تمامی کارها و فعالیّت‌هایی است که در مورد یک شئ، یک بنای تاریخی، یا حتّی یک مجموعه و یا یک شهر تاریخی انجام می‌شود تا پایدار باقی بماند، معرّف اصل و اصالت خود باشند، ارزش‌های بیرونی و درونی خود را در معرض ادراک همگان قرار دهند، و به درستی نقش خود را در توسعهٔ فرهنگی و اقتصادی جامعهٔ محلّی و جهانی ایفا کند.

۳. برای نمونه نگاه کنید به کتاب‌های:

4. Aloïs Riegl, "*Historical Grammar of Visual Arts*", Translated by Jacqueline E. Jung, Zone Books, 2004.

۵. دوران جدید، نوین یا امروزین (Modern times)، ازعهد پساکلاسیک (قرونِ وسطا)، یعنی قرن شانزدهم میلادی، آغاز و تا به امروز ادامه می‌یابد و خود به دورهٔ نوین آغازین و دورهٔ نوین متأخر تقسیم‌بندی می‌شود. تاریخ معاصر به رویدادهای تاریخی که در زمان حاضر روی می‌دهند اطلاق می‌شود. لیکن وقتی از هنر نوین (Modern Art) یا هنر نوگرا سخن به میان می‌آید منظور هنرهای نقّاشی، پیکرسازی، معماری، و تصویری سده‌های نوزدهم و بیستم است. پسانوگرایی (Postmodernism) در فلسفهٔ غرب، به جنبشی در اواخر قرن بیستم اطلاق می‌شود که با شک‌باوری گسترده، ذهن‌گرایی، یا نسبی‌گرایی، بدگمانی کلّی نسبت به خرد، و حسّاسیّت زیاد در مقابل نقش ایدئولوژی در کسب قدرت سیاسی و اقتصادی، مشخّص می‌شود.

۶. جان راسکین (John Ruskin)، هنرشناس، متفکّر و هنرمند قرن نوزدهم انگلیسی را می‌توان سرآمدترین طرفدار عدم دخالت در کارهای هنری دانست. او که اخلاق را سرلوحهٔ اندیشه‌های خود قرار می‌دهد در کتاب *هفت چراغ معماری* و به‌ویژه «چراغ حافظه»

امانت‌داری را اصل مهم پنداشته و هیچ حقّی برای دخالت در اثری که از گذشتگان باقی‌مانده است قایل نمی‌شود. و هم اوست که ضرورت تمایز بین «مرمت» و «تعمیر» را گوشزد می‌کند. در همین دوران، یعنی به سال ۱۸۷۷ میلادی، ویلیام موریس (William Morris)، طرّاحِ پارچه، شاعر، داستان‌سرا، مترجم، و فعّال اجتماعی اهل انگلستان و یکی از اعضای جنبش هنرها و صنایع دستیِ بریتانیا نیز که به شدّت تحت اثر نوشته‌ها و عقاید راسکین قرار دارد انجمن محافظت و حمایت از بناهای باستانی را به وجود می‌آورد و راهبُرد حفاظت به جای مرمّت را ترویج می‌کند. امّا ایوجن‌اِمانوئل ویوله‌لوـدوک (Eugène-Emmanuel Viollet-le-Duc)، معمار، مرمّتگر، تاریخدانِ معماری، طرّاح، و نظریه‌پرداز، اهل فرانسه در برابر این طرز فکر قرار دارد و چنین می‌پندارد که مرمّت یک بنابه معنای برپایی دوبارهٔ آن در وضعیّت کامل و تمامیّت یافته‌ای است که در واقع شاید هیچگاه به آن صورت وجود نداشته است.

۷. *جستارهای تاریخی و فلسفی در حفاظت از میراث فرهنگی*. (پاییز ۱۳۹۵). ترجمه، تدوین و مقدّمه رسول وطن‌دوست. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، مقدّمهٔ مترجم، ص ۱۲ـ ۳۵.

۸. در این رابطه مراجعه به قصّهٔ مری‌کردن رومیان و چینیان در علم نقّاشی و صورتگری که مولانا در دفتر اوّل مثنوی معنوی خود به شرح آن می‌پردازد حایز اهمیّت فراوان است (نگاه کنید مقدّمهٔ مترجم در: *جستارهای تاریخی و فلسفی در حفاظت از میراث فرهنگی*. (پاییز ۱۳۹۵). ترجمه، تدوین و مقدّمه رسول وطن‌دوست. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری).

۹. مایکل فارادی، (Michael Faraday)، شیمیدان و فیزیکدان قرن نوزدهم انگلیسی جزو اوّلین دانشمندانی است که به‌رغم مخالفت گستردهٔ خبرگان آثار هنری، به عنوان مشاور در امور پاک‌سازی و محافظت از مجموعه کارهای هنری نگارخانهٔ ملّی لندن در برقراری نمایشگاه بزرگ کارهای هنری لندن در سال ۱۸۵۱ میلادی همکاری می‌کند.

۱۰. فریدریش ویلهلم راتگن (Friedrich Wilhelm Rathgen)، شیمیدان آلمانی، نخستین کارشناس شیمی است که در یک موزه به استخدام درمی‌آید. او که نقش عمده‌ای در توسعهٔ دانش حفاظت از آثار هنری در مراحل آغازین آن داشته است، در سال ۱۸۸۸ میلادی به عنوان اوّلین مدیر آزمایشگاه شیمی در موزه‌های سلطنتی برلین منصوب شد.

۱۱. موضوع اثرات زیانبار موادّ شیمیایی بر پیکر ظریف و نحیف آثار فرهنگی و هنری از دیرباز مورد گفتگو و جدل کارشناسان هنری، به‌ویژه متخصصان تاریخ هنر بوده است. از این جمله می‌توان به پاکسازی ۹ پردهٔ نقّاشی ارزشمند و مهم در سال ۱۸۵۲ میلادی در نگارخانهٔ ملّی لندن که موجب اعتراض عمومی شدید شد و نیز تمیزکاری نقّاشی‌های میکل‌آنژ در کلیسای کوچک سیستین در واتیکان اشاره کرد.

۱۲. *سفرنامهٔ مادام دیولافوا: ایران و کلده*. ترجمهٔ علی‌محمد فره‌وشی. و دیولافوا، ژان. (۱۳۷۸). *خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۶-۱۸۸۴*، ترجمهٔ ایرج فره‌وشی. چ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. مؤسسهٔ ایتالیایی خاورمیانه و خاور دور (*Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente*).

۱۴. نگارندهٔ این متن سرکار خانم ریما نظریان و مرحوم آقای سیّدمحی‌الدّین سجّادی هستند.

۱۵. این ساختمان دو طبقه در حال حاضر محل استقرار پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، یعنی به معنایی همان مرکز باستان‌شناسی سابق است، و آزمایشگاه و کارگاه آن دوران نیز اکنون به بخش مرمّت موزه ملّی ایران اختصاص یافته است. سرکار خانم‌ها رباب تکبیری اسکویی و مهناز عبدالله‌خان گرجی نیز که سال‌های متمادی هم در پیشبرد برنامه‌های پژوهشکده حفاظت و مرمت و هم در موزه ملی ایران نقش داشته‌اند، از جمله‌ی کسانی می‌باشند که در تاریخ حفاظت و مرمت آثار تاریخی کشور جایگاه ویژه دارند.

۱۶. تأسیس دانشکدهٔ پردیس اصفهان با همکاری دانشگاه فارابی (سابق) و سازمان ملّی حفاظت آثار باستانی، به‌ویژه دفتر فنّی سازمان در اصفهان به ریاست مرحوم مهندس باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی به مرحله‌ی اجرا درآمد. دفتر فنّی اصفهان تعمیر و آماده‌سازی خانه‌های قدیمی سوکیاس، داوید، و حقیقی را در ابتدای امر و چند خانهٔ قدیمی دیگر را در سال‌های بعد انجام داد و آنها را در اختیار دانشگاه قرار داد تا برای آموزش دانشجویان به کار گرفته شوند. در جلسات متعددی که در اطاق شاه‌نشین خانهٔ سوکیاس با حضور خانم دکتر ثریا قائم مقامی، مدیر وقت دانشکده، مرحوم مهندس باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، رییس وقت دفتر فنّی اصفهان، دکتر جمشید بهنام، رئیس وقت دانشگاه فارابی، دکتر طلا مینایی (معاون آموزشی دانشگاه فارابی)، مرحوم دکتر محمّدامین میرفندرسکی، مرحوم استاد محمّدکریم پیرنیا، مرحوم دکتر کسایی، دکتر محمّدمنصور فلامکی، نویسندهٔ این متن، و تنی چند از دیگر کارشناسان برگزار شد، برنامهٔ آموزشی رشتهٔ مرمّت آثار و ابنیه تاریخی تدوین و برای اجرا آماده شد. در همین دوران بود که شرح درسی تحت عنوان شیمی و فیزیک در مرمّت تهیه شده و در برنامهٔ آموزشی دانشکده گنجانده شد. البته لازم به یادآوری است که تصویب این درس با بحث و گفتگوی زیاد انجام شد. برخی از دوستان حاضر در جلسه، به‌ویژه مرحوم زنده‌یاد دکتر میرفندرسکی و استاد محمّدکریم پیرنیا، به درستی به ضرورت توجّه به بنیان‌های هنری و فکری کار مرمّت تأکید داشتند و ضمن تأیید ضرورت به‌کارگیری علوم دقیقه، عنایت بیش‌تر به هنر و فرهنگ را گوشزد می‌نمودند. در این دوره استادانی مانند زنده‌یاد استاد محمّدکریم پیرنیا (۱۲۹۹ـ ۱۳۷۶)، دکتر محمدمنصور فلامکی (متولد ۱۳۱۳)، زنده‌یاد مهندس باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۱۵ـ ۱۳۸۶)، مرحوم دکتر کسایی، زنده‌یاد محمدامین میرفندرسکی (۱۳۱۰ـ ۱۳۸۸)، مرحوم پروفسور برنارد فیلدن (۱۹۱۹ـ ۲۰۰۸)، و نویسندهٔ این سطور تدریس می‌کردند. در دوره‌های نخستین کارشناسی ارشد مرمّت در دانشکدهٔ پردیس اصفهان توجّه ویژه‌ای به تاریخ هنر مبذول می‌شد. برخی از هنرمندان و مرمّتگرانی که پیش از آن در ایتالیا دوره‌های کارآموزی گذرانده بودند در همان دوره‌های اوّل به عنوان دانشجو شرکت کرده

و پس از طیّ دوره، درجهٔ کارشناسی ارشد خود را اخذ کردند. در این دوره حدود ۱۵ دانشجو از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های معماری، باستان‌شناسی، و دیگر رشته‌های هنری انتخاب (۳ معمار، ۲ باستان‌شناس، و ۶ نفر کارشناس در رشته‌های هنری) شده و مشغول تحصیل شدند. آزمایشگاه و کارگاه مرمّت دانشکده نیز در همین دوران در بخشی از ساختمان خانهٔ تاریخی داوید طرّاحی و به وجود آمد.

۱۷. سرکار خانم شهلا ذبیحی که در آن سال‌ها درجهٔ کارشناسی خود در رشتهٔ شیمی را از دانشگاه شیراز دریافت کرده بود، به استخدام دانشگاه فارابی، پردیش اصفهان درآمد تا در این آزمایشگاه فعالیّت کند.

۱۸. در آن سال‌ها مرحوم آقای عبدالعلی پورمند هم مسئولیّت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر (سابق) و هم موزهٔ ایران باستان را به عهده داشت و آقای دکتر فیروز باقرزاده مدیریّت مرکز باستان‌شناسی و چندی نیز به طور موازی ادارهٔ موزه را انجام می‌داد.

۱۹. در این سال‌ها مجتمع دانشگاهی هنر، که دانشکدهٔ پردیس اصفهان را نیز در زیر پوشش مدیرتی خود داشت، در چهار راه ولیعصر تهران مستقر بود. آقای دکتر اکبر حاج ابراهیم زرگر ریاست مجتمع را به عهده داشت. برنامه‌های دوره‌های کارشناسی مرمّت اشیاء و نیز مرمّت بناهای تاریخی با هماهنگی ایشان و با همراهی زنده‌یاد مهندس باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، دکتر محمّدتقی آشوری، حسین آقاجانی اصفهانی، مرحوم سیّدمحسن موسوی، نویسندهٔ این سطور و جمعی دیگر از کارشناسان کشور تدوین شد.

۲۰. این تغییرات تشکیلاتی و اجرایی از اواخر مدیریّت آقای دکتر اکبر حاج ابراهیم زرگر آغاز شد و در زمان حضور مرحوم مهندس سراج‌الدّین کازرونی واقعیّت یافت.

۲۱. همان‌گونه که ذکر شد، اندیشهٔ احداث آزمایشگاه از سال‌های اولیّهٔ دهه‌ی پنجاه شمسی، و با همّت و کمک آقای دکتر فیروز باقرزاده، رییس وقت مرکز باستان‌شناسی کشور، شکل گرفت. در آن زمان زمین آماده و تسطیح شد. در سال‌های آغازین تشکیل سازمان میراث فرهنگی، آقای دکتر مهدی حجّت، رییس وقت سازمان، همکاری و مدیریّت شایسته‌ای به عمل آوردند تا این اندیشه بار دیگر قوّت یابد و امکان شکل‌گیری آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی و تهیهٔ برخی از وسایل و تجهیزات آن و نیز به‌کارگیری کارشناسان مورد نیاز فراهم شود. در همهٔ این سال‌ها، یعنی از ابتدای حضور نویسندهٔ این متن در مرکز باستان‌شناسی کشور و بعدها در سازمان میراث فرهنگی کشور، حمایت‌های فکری و اجرایی مرحوم استاد دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی از موضوع مرمّت علمی در کشور و ایجاد آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی و احداث ساختمان آن در زمین مورد وصف، نقشی تعیین‌کننده در واقعیّت یافتن این رویای بزرگ برای مرمّتگران کشور داشت. به هنگام مدیریّت آقای دکتر اکبر حاج ابراهیم زرگر در اوایل دههٔ هفتاد شمسی در سازمان میراث فرهنگی کشور کار تهیهٔ تجهیزات و گسترش آزمایشگاه پی‌گیری شد و اوّلین طرح ساختمان پژوهشکده آماده شد. در مدّت مدیریّت کوتاه مرحوم مهندس سراج‌الدّین کازرونی، پژوهشگاه میراث فرهنگی تشکیل شد و مرکز تحقیقات حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی دچار تغییر نام (پژوهشکده حفاظت و مرمّت آثار تاریخی ـ فرهنگی) و تشکیلات شد و به یکی از پنج پژوهشکدهٔ این پژوهشگاه مبدل شد. در همین دوران با حمایت ایشان و مرحوم دکتر شیرازی طرح دوّم و فعلی ساختمان پژوهشکده تهیه و آماده شد. در نخستین سال ریاست مهندس سیّدمحمّد بهشتی در سازمان، یعنی سال ۱۳۷۶، بالاخره کلنگ احداث ساختمان به زمین زده شد و در طیّ مدت مدیریّت ایشان (۱۳۷۶ـ ۱۳۸۳) کارهای ساختمانی ادامه یافت. در زمان حضور آقای سیّدحسین مرعشی (۱۳۸۳ـ ۱۳۸۴) و تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کارهای اجرایی تداوم یافت و سرانجام در ۱۳۸۴ این ساختمان گشایش یافت.

۲۲. همان‌گونه که ذکر شد، برای آماده‌سازی زمین و حل مشکلات موجود تلاش‌های زیادی به عمل آمد و مسئولان و مدیران زیادی در این راه کمک کردند. ولی در اینجا لازم است به‌ویژه به جلسه‌ای اشاره شود که با حضور آقایان مهندس سیّدمحمّد بهشتی، زنده‌یاد احمد بورقانی، نویسندهٔ این سطور و آقای مرتضی بانک، معاون وقت اداری مالی وزارت خارجه در دفتر ایشان تشکیل شد و در نتیجه راه برای تخلیهٔ زمین و شروع کارهای ساختمانی هموار شد.

۲۳. در طیّ سال‌های دهه‌ی شصت، گاه از احداث ساختمان پژوهشکده در جایی بیرون از بافت تاریخی شهر و حتّی خارج از شهر تهران سخن به میان می‌آمد و این اندیشه طرفداران زیادی نیز داشت. لیکن مرحوم استاد دکتر شیرازی به شدّت با این پیشنهاد مخالف بودند و حضور موزهٔ ملّی ایران و سایر موزه‌ها و مکان‌های تاریخی در اطراف زمین را از امتیازهای اصلی ساخت پژوهشکده در زمین موجود می‌دانستند. افزون بر این، امکان برقراری ارتباط زیرزمینی پژوهشکده با مخزن موزهٔ ملّی ایران نیز از دیگر مزیّت‌های این محل به شمار می‌آمد.

۲۴. این طرح مقدماتی توسّط شرکت مهندسین مشاور گروه ۴ تهیّه شد.

۲۵. این طرح توسّط آقای مهندس مهران گودرزی تهیّه شد.

۲۶. مرحوم استاد دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، مهندی علی‌اکبر سعیدی، مهندس ایرج کلانتری، و نویسندهٔ این متن گروه نظارتی را تشکیل می‌دادند.